سرخط

■ **مهر:** رهبر معظم انقلاب روز سه‌شنبه (۱۳ آبان) مصادف با هفدهم ربیع‌الاول سالروز ولادت حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امام جعفر صادق(ع) ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه به صورت تلویزیونی سخنرانی خواهند کرد. این سخنرانی به صورت زنده از شبکه یک سیما، شبکه خبر و رادیو ایران پخش خواهد شد.

■ **فارس:** سیدمصطفی میرسلیم، رئیس شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی با اشاره به اینکه امریکا برای بقای خود چاره‌ای جز خصومت با ایران ندارد، گفت: ۱۳ آبان نشان داد که امریکا از زیر سلطه نگهداشتن ایران مأیوس نشده و سرسپردگان داخلی او نیز از خوش‌خدمتی به او دست برنداشته‌اند.

■ **ایرنا:** نمایندگان مجلس شورای اسلامی کلیات طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری را تصویب کردند. این طرح در دستور کار روز گذشته نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و نمایندگان با ۱۶۰ رأی موافق، ۷۲ رأی مخالف و هشت رأی ممتنع با کلیات آن موافقت کردند و جزییات طرح برای بررسی بیشتر به کمیسیون شوراها و امور داخلی ارجاع شد.

یادداشت

رسول سنائی‌راد

شکست اسلام‌هراسی فاشیستی در برابر وحدت مسلمانان

هفته وحدت امسال در حالی برگزار می‌شود که رئیس‌جمهور کشور فرانسه به بهانه دفاع از آزادی بیان به حمایت از هتاکی و حرمت‌شکنی به پیامبر اعظم(ع) پرداخت و عواطف دینی ۲ میلیارد مسلمان جهان و میلیون‌ها نفر از شهروندان کشور خود را به‌شدت جریحه‌دار کرد.

مکرون با تمسک به قتل یک معلم در پاریس که پس از نمایش کاریکاتورهای اهانت‌آمیز علیه پیامبر اسلام در سر کلاس درس تاریخ، با تحریک احساسات دینی پیروان آن حضرت موجبات مرگ خود را فراهم ساخته بود، با وقاحت، اسلام را بحرانی نامید و با نسبت دادن فاشیسم -که پدیده‌ای غربی و نماد جنایت و توحش در دنیای غرب است- به اسلام عزیز و پیامبر آن جفا و اهانت سیستمی با تمسک به دفاع از ارزش‌های سکولاریستی فرانسوی را به نمایش گذاشت.

عواطفی که موجب شکل‌گیری چنین وقاحت حماقت‌آمیزی در امثال مکرون می‌شود، از ابعاد مختلف قابل توجه و بررسی است. اما بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آنها، وجود اختلاف در جهان اسلام است که توسط رژیم‌های دیکتاتور، ذلیل و وابسته به غرب پدید آمده و نماد آن قراردادهای ننگین و ذلیلانه‌ای است که این روزها دیکتاتورهای چند کشور عربی با فشار امریکا با اشغالگران قبله اول مسلمان به امضا می‌رسانند.

فرانسوی‌ها که تجربه همکاری همین رژیم‌ها را برای تشکیل و به‌کارگیری جریان تروریسم تکفیری در سوریه و از سال ۲۰۱۱ برای بدنام‌سازی اسلام و جهاد در اسلام با بهره‌گیری از اسلام امریکایی و سلفی‌گری تحریف شده و انحرافی با مدیریت سرویس‌های جاسوسی کشورهای غربی و ثروت‌های نفتی دولت‌های عربی وابسته به غرب، داشته و توانسته بودند فاشیسم غربی را به شجره خبیثه وهابیت سعودی پیوند زده و تروریسم تکفیری را پدید آورند، فاشیسمی که در قواره داعش، بزرگ‌ترین جنایت‌ها و شقاوت‌ها را رقم زده و با پدید آمدن رخنه و شکاف در درون جهان اسلام و آتش‌افروزی و جنگ، بیداری اسلامی را به حاشیه انداخته و مقاومت اسلامی را به فرسایش اندازد.

پدیده‌ای که بیشترین سود را برای غرب نگران از بیداری اسلامی و صهیونیست‌های وحشت‌زده از مقاومت اسلامی داشت و خود مولد اسلام‌هراسی شدید در تمام دنیا علیه مسلمانان نیز می‌شد.

جالب اینکه آن زمان غرب و از جمله فرانسه هیچ‌گاه نگران جنایت علیه مسیحیان سوریه و عراق توسط عوامل فاشیستی خود نبوده و با وجود اینکه از ویژگی‌های خطرناک ماشین ترور تکفیری آگاه بودند، حتی اجازه خروج شهروندان غربی به سمت سوریه و عراق را برای پیوستن به تروریست‌های تکفیری فراهم می‌کردند تا به زعم خود از این ماشین ترور برای فرسایش جهان اسلام و تجزیه کشورهای اسلامی سود جسته و مانع تقویت روند هویت اسلامی برآمده از بیداری اسلامی گردند. هویتی که در صورت تسری به اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غربی، به شدت آنان را نگران می‌ساخت و مقابله با آن را در اسلام‌هراسی می‌دانستند که در استفاده ابزاری از تروریسم تکفیری، دولت‌های دیکتاتور غربی نیز حاضر به هزینه از ثروت‌های نفتی خود و تأمین ایدئولوژی کور آن از منابع وهابی بودند.

از این رو در همان دوران غربی‌ها و از جمله فرانسوی‌ها بر نفوذ این ایدئولوژی و صرف دلارهای نفتی متحدان عرب خود حتی در کشورهای غربی استقبال کرده و اجازه فعالیت شعب و نمایندگی‌های وهابیت را در کشورهای خود دادند و نقش شهروندان سعودی در انفجار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نیز لاپوشانی کردند. همان‌طور که امروز هم از جنایت بن‌سلمان در قتل خاشقچی چشم پوشیده‌اند. چراکه آنها با اقتدا به ماکیاول، بهره‌گیری از سیاست‌های دوگانه را مجاز دانسته و می‌توانند تروریست‌ها را به دو گروه خوب و بد تقسیم کرده و حتی یک گروه مثل تروریست‌های تکفیری حاضر در میدان جنگ نیابتی در سوریه و عراق را به‌عنوان گروه‌های معارض و دارای حقوق شهروندی تحت حمایت قرار دهند. کمااینکه هرگاه، جریان تکفیری را خطر تعقیب و نابودی از سوی ارتش‌های عراق و سوریه و گروه‌های مقاومت تهدید می‌کرد، غربی‌ها در عرصه رسانه‌ای به حمایت از تروریست‌ها در پوشش حقوق بشری برآمده و در عرصه میدانی نیز به کمک علنی از آنان می‌پرداختند.

همین سیاست دوگانه غرب موجب تداوم حیات این شجره خبیثه گردیده که البته راز آن هم استفاده ابزاری از آن علیه رقبا با هدف هژمون و سلطه غرب است.

اشتباه مکرون این است که نمی‌تواند حساب چند مسلمان نمای برآمده از اسلام امریکایی و چند دیکتاتور ذلیل و وابسته به قدرت‌های غربی را از امت بزرگ اسلامی جدا ساخته، واقعیت‌های برآمده از بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام ناب محمدی را فهم و جایگاه پیامبر اعظم را در قلوب پیروان پاکباخته آن حضرت درک کند. پیامبری که مسلمانان وجود نازنینش را بر جان‌های خویش برتر و اولی‌تر دانسته و کوچک‌ترین اهانت به او را ولو به قیمت جانشان تمام شود، هیچ‌گاه برنمی‌تابند.

امواج سنگین اعتراضی در جهان اسلام علیه نابخردی مکرون در حمایت از کاریکاتورهای موهن و اهانت او به اسلام با برچسب فاشیسم، این پیام آشکار را به او داد که نه تنها نمی‌تواند به صهیونیست‌ها سودی برساند بلکه موقعیت خود او نیز به شدت به خطر افتاده و چاره‌ای جز عقب‌نشینی ندارد.

آنچه موجب این عقب‌نشینی آشکار و ادعای جدا دانستن چند عنصر افراطی از کلیت اسلام و مسلمانان شد، وحدت مسلمانان در دفاع از ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) و نمایش قدرت اسلام بود. همچنین تحریم کالاهای فرانسوی از سوی مسلمانان، این پیام را به او منتقل کرد که باید در شرایط بحرانی کشور، هزینه‌های مادی مواضع نسنجیده‌اش را در محاسبات بگنجاند.

اگر پیش از این در جنگ نیابتی غرب و صهیونیست‌ها در سوریه و عراق چند دولت عربی هزینه‌های آن را تأمین نکرده و بیشتر از آن همه ملت‌های مسلمان، شهروندان مسلمان فرانسه را در برابر قانون ظالمانه منع حجاب اسلامی تنها نمی‌گذاشتند، امثال مکرون برای رضایت صهیونیست‌ها یا لاپوشانی مشکلات داخلی خود، حماقت بزرگی چون حمایت از اهانت علیه پیامبر رحمت را مرتکب نمی‌شد و از زدن برچسب فاشیسم یا بحرانی بودن به اسلام اجتناب می‌کرد.

وحدت جهان اسلام می‌تواند مانع هرگونه خصومت و وقاحت علیه مسلمانان، مقدسات آنان و پشتوانه عزت و سربلندی آحاد امت اسلامی در دنیا حتی اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیرمسلمان باشد. امروز ظلمی که بر اقلیت‌های اسلامی در برخی کشورهای غربی تحمیل و به ارزش‌ها و مقدسات دینی آنان بی‌حرمتی می‌شود با تفرقه و اختلاف در بین کشورهای اسلامی بی‌ارتباط نیست. همان‌گونه که راز عقب‌نشینی مکرون در وحدت جهان اسلام در دفاع از حرمت پیامبر اعظم(ص) قابل جست‌وجو می‌باشد.

گزارش

۱۳ آبان ۴۱ ساله شد

استکبارستیزی بدون تاریخ انقضا

سال ۵۸ و زمانی که دانشجویان پیرو خط امام از دیوارهای لانه جاسوسی امریکا بالا رفتند، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی از این رویداد با نام انقلاب دوم نام بردند. اگرچه در آن زمان هنوز فهم و درک عمق این کلام امکان‌پذیر نبود اما با گذشت بیش از ۴۰ سال از این رویداد امتداد این حرکت هم اکنون قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد صرف نظر از تحلیل‌های مرسوم تسخیر لانه جاسوسی امریکا، گذشت زمان و نگاهی تحلیلی به رویدادهای فعلی ابعاد جدیدی از این اتفاق را روشن می‌کند که پرداختن به آن ضروری است، به خصوص آنکه برخی رویدادها نشان از تأثیرگذاری متقابل ایران و امریکا در فضای سیاست خارجی طی ماه‌های آینده دارد.

آنچه توانست تصرف لانه جاسوسی امریکا در ۱۳ آبان ماه سال ۵۸ را تبدیل به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز برای کشورمان کند، حمایت حضرت امام(ره) از این حرکت دانشجویان بود.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که اهمیت تسخیر لانه جاسوسی امریکا را به عنوان انقلاب دوم در نگاه امام عیان می‌کند، تکمیل چرخه استکبارستیزی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی امریکا و به خصوص دولت کارتر تصور می‌کرد که از طریق ارتباط با برخی عناصر داخلی در حاکمیت ایران می‌تواند همچنان حضور خود را در ایران حفظ کند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم همچنان رفت و آمد برخی از نظامیان امریکایی به برخی پایگاه‌های نظامی ایران ادامه داشت و حتی عده‌ای این ایده را مطرح می‌کردند که می‌توان از خدمات مستشاری امریکا استفاده کرد.

این تلاش گسترده برای حفظ نفوذ امریکا شامل ارتباط با شخصیت‌های مشهور انقلاب نیز می‌شد که نمونه آن ارتباط با برخی اطرافیان آیت‌الله شریعتمداری بود که منجر به غائله حزب خلق مسلمان در تبریز شد.

این شبکه سازی گسترده در صورت امتداد نه تنها می‌توانست ضربه جدی به انقلاب اسلامی وارد کند بلکه حتی در شرایط خاص می‌توانست منجر به روی کار آمدن مهره‌های امریکا در ایران شود.

رویداد ۱۳ آبان نه تنها تمام این تلاش‌ها را از بین برد بلکه زمینه تلاش‌های بعدی برای نفوذ امریکا در ساختار نظام جمهوری اسلامی را نیز به طور کامل متوقف کرد. این رویداد اگرچه در آن زمان چندان جلب توجه نکرد اما مرور نقش سفارت‌های امریکا در کشورهای گوناگون از گرجستان تا عراق و ایجاد انقلاب‌های رنگی به خوبی روشن کرد که در صورت باز بودن سفارت چه وقایعی در انتظار انقلاب اسلامی بود.

■ **نهادینه شدن استکبارستیزی در انقلاب اسلامی**

نکته مهم بعدی درباره تصرف سفارت امریکا در ایران نهادینه شدن استکبارستیزی در ذات نظام انقلاب اسلامی بود. در آن زمان یکی از مهم‌ترین سؤالات در افکار عمومی این بود که مبارزه با ظلم و ستم تا کجا باید ادامه پیدا کند و آیا برکناری رژیم شاهنشاهی برای ختم مبارزات کافی است.

در ایران دولت موقت از جمله طرفداران این نظریه محسوب می‌شد و حتی درگیری نظامی بین ایران و سایر کشورها را غیرمحتمل می‌دانست، به گونه‌ای که حتی طرح فروش بخشی از تجهیزات نظامی ایران به سایر کشورها را مد نظر داشت. در چنین شرایطی بود که تصرف سفارت امریکا و نامیدن آن به عنوان انقلاب دوم تکلیف را بر همه معلوم کرد. روشن شدن این تضاد موجب شد برخی گزاره‌های بنیادین در نظام جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد تا هیچ‌گاه در اثر گذشت زمان محو نشود.

نمونه آن را می‌توان در پیام امام به مناسب سالگرد کشتار حجاج خانه خدا در سال ۶۷ دید که در همین باره به‌صراحت تأکید می‌کنند: ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.

شاید بتوان با قاطعیت گفت امروز آنچه به آن نفوذ ایران در خاورمیانه اطلاق می‌شود نتیجه همان تلاش ایران برای مقابله با استکبار است. در غیر این صورت ایران محدود به مرزهای خود می‌شد تا زمانی که تروریست‌های تکفیری بتوانند پایگاه مطمئنی برای نفوذ به عمق ایران فراهم کنند.

این همان نکته‌ای است که از دید اکثر تحلیلگران پنهان مانده بود و حضرت امام (ره) به فراست آن را دریافت.

■ **رو شدن دست امریکا برای دشمنی با ملت ایران**

نکته دیگر در خصوص واقعه ۱۳ آبان نشان دادن عمق دشمنی امریکا با ایران بود. پیش از این رویداد برخی تلاش می‌کردند امریکا را کشوری با حداکثر حسن نیت در مقابل ایران معرفی کنند، اما رویدادهای بعد از تصرف سفارت امریکا نشان داد که حاکمیت این کشور تا چه اندازه در دشمنی مقابل ایران اصرار دارند. البته تمام امید امریکا حل و فصل دوستانه این ماجرا با کمک برخی از مهره‌های خود در ایران بود تا امکان ادامه رابطه با ایران نیز فراهم باشد.

اولین واکنش امریکایی‌ها در مقابل تسخیر سفارت جاسوسی خود در تهران مجموعه پیغام پنهانی و ارتباط با کسانی بود که می‌توانستند به آزادی دیپلمات های امریکایی در ایران کمک کنند، با این حال استعفای دولت موقت در ایران مهم‌ترین پل ارتباط امریکا در تهران را سوزانده بود. تا قبل از این به لطف روابط گسترده اعضای دولت موقت با مقامات امریکایی دستگاه سیاست خارجی این کشور دسترسی گسترده‌ای به ارتباطات خود با تهران داشت و حتی پیش از آن مذاکراتی را در الجزایر با ابراهیم یزدی ساماندهی کرده بود با این حال استعفای دولت موقت سبب شد امریکا دیگر مسیری برای یک ارتباط امن در تهران نداشته باشد. بعد از شکست این میانجیگری کارتر در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۹ طی ابلاغیه ۴۷۰۲ و بر اساس ماده ۲۳۲ قانون گسترش تجارت ایران را تهدیدی علیه امنیت ملی دانست و واردات نفت خام یا محصولات مشتق شده از نفت تصفیه شده ایران به امریکا و مناطق آزاد تجاری امریکا ممنوع اعلام کرد.

در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ۱۳۵۸) کارتر دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ را صادر کرد که بر اساس قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی و قانون وضعیت فوق‌العاده ملی و بخش ۳۰۱ از عنوان ۳ قانون امریکا، وضعیت ایران را یک تهدید غیرعادی و فوق‌العاده اعلام کرد و دستور داد تمامی دارایی‌ها و منافع دولت ایران و مؤسسات وابسته و بانک مرکزی ایران که در قلمرو امریکا یا در تصرف اتباع امریکا هستند یا در خواهند آمد مسدود شود.

این اولین تحریم امریکا علیه ایران بود که اگرچه با امضای تفاهمنامه الجزایر به طور موقتی حل و فصل شد اما در نهایت در دوران رؤسای جمهور بعدی امریکا به صورت سنتی در آمد که در دوران ریاست جمهوری ترامپ به اوج خود رسید.

اگرچه برخی تلاش می‌کنند که تسخیر لانه جاسوسی را واقعه‌ای زیان‌بار جلوه دهند اما گذشت نزدیک به ۴۰ سال از این واقعه به خوبی نشان می‌دهد که نتیجه اصلی به نفع ملت ایران بوده است.

خبر

دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی:

توهین به پیامبر(ص) توطئه صهیونیست‌ها است

دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی با بیان اینکه توهین به پیامبر اسلام (ص) توطئه‌ای صهیونیستی برای تفرقه بین ملل و ادیان مختلف است، خواستار واکنش نخبگان جهان به این اقدام شد.

به گزارش ایرنا، داود عامری روز گذشته در نشستی به مناسبت مقابله با اسلام ستیزی و برنامه‌های ملی جشن مبعث خاطرنشان کرد: صهیونیست‌ها پشت توهین به پیامبر(ص) هستند و از این طریق ایجاد آنارشی فرهنگی در جهان را پیگیری می‌کنند.

وی با بیان اینکه اسلام ستیزی صهیونیست‌ها راهبردی برای ایجاد گسست فرهنگی در جهان است، تصریح کرد: این توطئه دنبال ایجاد دوقطبی فرهنگی در جهان است. عامری با تأکید بر لزوم انجام اقدامات ایجابی برای مقابله با توهین به پیامبر(ص) گفت: ما باید برای معرفی پیامبر به جهانیان تلاش بیشتری انجام دهیم. دبیر کل مجمع جهانی صلح اسلامی، تأکید پیامبر اسلام بر تکریم پیامبران الهی و احترام به پیروان آنان را یادآور شد و گفت: در سایه چنین منش الهی و انسانی، اقلیت‌های مذهبی در جوامع مسلمین، پیوسته با آزادی و امنیت زندگی کرده‌اند. متأسفانه بار دیگر شاهد اقدام موهن مجله فرانسوی و انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز در آن نسبت به ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام بودیم و قبیح‌تر از آن حمایت رئیس جمهوری فرانسه از این اقدام سخیف بود.

عامری از برگزاری جشنواره سلام در سه محور علمی-پژوهشی، رسانه‌ای و هنری در چهار بخش فیلم کوتاه، عکس، پوستر و خوشنویسی خبر داد. وی، برگزاری کنفرانس بین‌المللی «دیپلماسی اسلامی و قدرت نرم در سیره پیامبر اعظم(ص)» با مشارکت دستگاه‌های علمی، فرهنگی و نخبگان و اندیشمندان ایران و جهان را از دیگر برنامه‌های در دست اقدام عنوان و تصریح کرد: در این زمینه مجمع از همه نخبگان، دستگاه‌های فرهنگی و سازمان‌های مردم نهاد جهان دعوت به همکاری و هم افزایی کرده که تاکنون از ۴۲ کشور افراد و مراکزی اعلام آمادگی کرده‌اند و امید داریم که سطح مشارکت‌ها بیشتر شود.

ویژه

■ **مقدمه درست و نتیجه غلط**

روزنامه اصلاح‌طلب همدلی، در یادداشتی به ادعای دولت امریکا در مورد دخالت دولت ایران در انتخابات ریاست جمهوری این کشور اشاره کرده و چنین امری را نشانه ضعف دولت ایالات متحده دانسته است. در این یادداشت آمده که «بعد از جنگ جهانی دوم یکی از ابزار نفوذ امریکا در کشورهای مستقل یا وابسته به بلوک شرق، دخالت در انتخابات این کشورها بود تا وابستگان به واشنگتن به قدرت برسند و به این ترتیب منافع واشنگتن را حفظ کنند و نمونه بارز آن در انتخابات کشورهای استقلال یافته از شوروی است که به نام «انقلاب‌های مخملی» شهرت یافت. عکس آن یعنی دخالت کشورهای جهان سوم در انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان کنگره امریکا سابقه نداشته و امریکایی‌ها برای ابرقدرتی نظیر امریکا کسر شأن می‌دانستند که ادعا کنند فلان کشور جهان سوم در انتخابات‌شان مداخله می‌کند.»

این روزنامه در ادامه آورده که «ترامپ و اطرافیانش، ایران را در کنار قدرت‌های بزرگی نظیر چین و روسیه به مداخله در انتخابات کشورشان معرفی و متهم می‌کنند و از این موضوع غافل شدند که نام بردن از ایران، بزرگ کردن این کشور و تحقیر قدرت ایالات متحده است. واقعاً امریکا این قدر ضعیف شده است که کشوری را که در دو سال اخیر تحت فشارهای اقتصادی حداکثری قرار داده، این حد توانمند شده که بر سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری تأثیر می‌گذارد؟ اگر از چین و روسیه نام برده می‌شود به هر حال این دو کشور صاحبان قدرت هستند، ولی ایران که قابل مقایسه با دو کشور مزبور نیست.»

در پایان این یادداشت آمده: «احتمالاً برداشت ترامپ از تأکید بیش از اندازه روی ایران در سخنرانی‌هایش ناشی از این باور اوست که چهره ایران در نزد شهروندان امریکا مخدوش و سیاه است و می‌خواهد با تمرکز بر ایران خودش را قهرمان مخالفت با دشمن امریکا معرفی کند تا آرای شهروندان امریکایی را کسب کند. ترامپ کاسبی است که در حال حاضر و در زمان انتخابات بهترین کاسبی‌اش بازی با کارت ایران است.»

یادداشت از سویی نکته‌ای درست را اشاره می‌کند و از سویی در نتیجه‌گیری، اشتباه عمل می‌کند. نکته درست آن است که مقامات دولت ترامپ توجهی ندارند که نام بردن‌شان از ایران به عنوان مداخله کننده در انتخابات امریکا، بزرگی ایران و حقارت امریکاست. اما نویسنده یادداشت با خودتحقیری، نوشته که این کار بزرگ کردن ایران است. یعنی ایران بزرگ نیست و امریکا با این کارش، به شکلی غیرواقعی ایران را بزرگ می‌کند؟ متهم کردن ایران به دخالت در انتخابات امریکا توسط مقامات دولتی امریکا، بزرگ کردن ایران نیست، بلکه نشان‌دهنده ضعف امریکا و قدرت ایران است. این گزاره همان چیزی است که سال‌هاست تحت عنوان تبدیل به تدریج ایران به یک قدرت جهانی گفته می‌شود و مورد انکار اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد. ترامپ مشغول کاسبی با نام ایران است، اما از قضا این کاسبی غیرواقعی نیست و او تمام قد مقابل ایران به عنوان کشوری قدرتمند ایستاده و حالا هم دارد بهره انتخاباتی یا همان کاسبی‌اش را می‌برد!

■ **زیباکلام: روحانی دوست دارد مشکلات گردن جهانگیری بیفتد!**

صادق زیباکلام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که تازگی‌ها به شدت بر باخت اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده تأکید دارد، باز هم گفته که «اصلاح‌طلبان مثل تیمی می‌مانند که بازی را سه بر هیچ به حریف واگذار کرده‌اند و حالا با توانی بسیار اندک انتظار دارند در بازی برگشت که در زمین حریف هم برگزار می‌شود نتیجه را تغییر دهند؛ خب از حالا معلوم است که نمی‌توانند و هیچ شانسی برای پیروزی در انتخابات ندارند... جهانگیری که هیچ خود خاتمی یا دیگر شخصیت‌های مطرح اصلاح‌طلب هم هیچ شانسی در انتخابات پیش رو ندارند.»

زیباکلام در مورد کاندیداتوری جهانگیری در انتخابات ۱۴۰۰ گفته: «قبل از ورود به مسئله انتخابات و مسئله عملکرد اقتصادی آقای جهانگیری باید به این نکته اشاره کنیم که آقای جهانگیری در دولت دوم آقای روحانی دیگر جایگاه سابق خود را نداشت و این یک واقعیت است که دچار افت شدید مدیریتی و حتی سیاسی شد... حتی به یاد داریم که زمزمه استعفای جهانگیری در سال ۹۶ جدی شد و واقعاً شایعه نبود اما با توصیه نیروهای کارگزاران او در دولت ماند و با اینکه در دولت ماند اما جایگاهش هیچ‌وقت مثل سابق نشد.»

او سپس از قصد روحانی برای انداختن تمام مشکلات به گردن جهانگیری گفته: «وقتی آقای جهانگیری از جایگاه اولیه خود سقوط کرد دیگر نتوانست اقدام ویژه و مثبتی داشته باشد. دولت به اسم، او را معاون اول نگه داشت اما افراد دیگر صحنه‌گردان دولت بودند؛ به همین دلیل تصمیمات را افراد دیگری می‌گرفتند و به نام جهانگیری تمام می‌شد. البته این‌طور نبود که او از هیچ چیزی آگاه نبوده باشد اما عملاً بی‌اراده شد. آقای روحانی هم از چنین حالتی بدش نمی‌آید و دوست دارد که همه مشکلات گردن جهانگیری افتاده شود و او در نگاه عمومی عامل همه گرفتاری‌های اقتصادی معرفی شود.»

گزیده خبر

با حکم رهبر معظم انقلاب انجام شد

انتصاب سیداحمد خاتمی به عضویت شورای نگهبان

به‌دنبال کناره‌گیری آیت‌الله یزدی از عضویت شورای نگهبان به علت عوارض جسمی و کهولت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خاتمی را به عضویت شورای نگهبان منصوب کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری در حکم رهبر انقلاب اسلامی به حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خاتمی آمده است: با عنایت به اینکه جناب آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد یزدی دام‌بقائه پس از سال‌ها حضور ارزنده در مسئولیت‌های گوناگون جمهوری اسلامی و عضویت در شورای نگهبان به خاطر عوارض جسمی و کهولت از آن شورای محترم کناره‌گیری کرده‌اند، با تشکر از ایشان جنابعالی را به عضویت در شورای نگهبان منصوب می‌کنم و مزید توفیقات آن شورا و شخص جنابعالی را از خداوند مسئلت می‌نمایم. سیدعلی خامنه‌ای ۱۱ آبان ۱۳۹۹

رئیس ستادکل نیروهای مسلح خبر داد

ورود سالیانه ۲۰ هزار افسر به دانشگاه‌های نیروهای مسلح

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از ورود سالیانه ۲۰هزار افسر به دانشگاه‌های نیروهای مسلح خبر داد.

به گزارش دفاع‌پرس، سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در حاشیه امضای تفاهم‌نامه همکاری بین ستاد کل نیروهای مسلح و شورای عالی انقلاب فرهنگی که صبح دیروز در ستاد کل نیروهای مسلح منعقد شد، در جمع خبرنگاران با تبریک سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) و هفته وحدت اظهار داشت: به برکت این ایام امروز با حضور حجت‌الاسلام عاملی تفاهم‌نامه همکاری بین ستاد کل نیروهای مسلح و شورای عالی انقلاب فرهنگی به امضا رسید.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح خاطرنشان کرد: نیروهای مسلح ۱۴ دانشگاه و در مجموع ۳۰ مجموعه دانشگاهی، دانشکده‌ای و پژوهشگاهی دارند که سالیانه حدود ۲۰ هزار افسر جوان ما وارد این دانشگاه‌ها می‌شوند. وی افزود: مجموعه‌های پژوهشگاهی فوق‌العاده ارزشمندی در نیروهای مسلح در حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سایر حوزه‌های مرتبط، مشغول فعالیت‌های علمی هستند. سرلشکر باقری عنوان کرد: در حوزه‌های گوناگون چه صنعتی که صنایع دفاعی کشور را شکل داده است و چه حوزه‌های علوم انسانی که مباحث گوناگونی در امنیت و دفاع کشور پشتیبانی می‌کنند، نیروهای مسلح در حال تحقیق و فعالیت هستند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه زمینه‌های گوناگون همکاری بین ستاد کل نیروهای مسلح و شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد، گفت: ما در زمینه نحوه ارزش‌گذاری مدارک علمی دانشگاه‌های نیروهای مسلح، نحوه جذب و ارتقای هیئت علمی و هیئت‌های پژوهشی نیروهای مسلح و سایر زمینه‌ها نیازمند این همکاری هستیم که در این تفاهم‌نامه پیش‌بینی شده است. سرلشکر باقری اضافه کرد: بر اساس این تفاهم‌نامه، کارگروه مشترکی پیش‌بینی شده که درباره جزئیات با یکدیگر بحث خواهند کرد و ان‌شاءالله همکاری‌های ما که از گذشته وجود داشته است، توسعه چشم‌گیری خواهد داشت.

نقدونظر

این مداخله‌گر را سر جایش بنشانید

وزیر امور خارجه انگلیس در اظهار نظری مداخله‌جویانه و غیرمسئولانه تهدید کرده است، چنانچه نازنین زاغری (جاسوس دو تابعیتی) بار دیگر به زندان بازگردانده شود، روابط ایران و انگلیس که او آن را «در مسیر بهبود» توصیف کرده، «متفاوت» خواهد کرد.

دومنیک راب این سخنان را روز جمعه در گفت‌وگو با یک رادیوی انگلیسی مطرح کرده است. وزیر خارجه انگلیس که گویی همچنان در افکار قرن نوزدهمی پیشینیان خود مانده است، تصور کرده جمهوری اسلامی ایران، دولت قاجار و پهلوی است که با اخم و تشر آنها تصمیمات خود را با آنها هماهنگ کند. وی ابتدا بازداشت دوتابعیتی‌ها در ایران را ناموجه توصیف کرده و با بیان اینکه انگلیس و ایران در مسیر بهبود روابط پیش می‌روند، هشدار داده که بازگرداندن زاغری به زندان می‌تواند مبنای بحث‌های ما (مسیر بهبود روابط) را متفاوت کند.

دو سال پیش جرمی هانت، وزیر وقت امور خارجه انگلیس هم در سفر به ایران، در مصاحبه با روزنامه گاردین در سفارت این کشور در تهران کوشید که روند قانونی و قضایی این پرونده را تحت تأثیر قرار دهد که البته موفق نشد. ظریف خطاب به همتای انگلیسی خود گفته بود: دستگیری و محاکمه این افراد بر اساس روال‌های کاملاً قانونی صورت گرفته است و از دولت انگلیس انتظار می‌رود به اجرای قانون و استقلال قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارد.

اظهارات مداخله‌جویانه مقامات انگلیس در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران و پیوند دادن مناسبات پرتلاطم دو کشور به یک جاسوس دو تابعیتی در حالی است که دولت انگلیس طی چهار دهه گذشته همواره رفتارهای خصومت‌آمیزی با جمهوری اسلامی ایران داشته و پس از خروج امریکا از برجام جزو دولت‌هایی بوده که عملاً در مسیر سیاست‌های ظالمانه امریکا و غرب علیه ملت ایران گام برداشته است. بنابراین، تهدیدهای وزیر امور خارجه و ژست دروغین حقوق بشری او در ادامه فشار و تأثیرگذاری بر روند قانونی پرونده یک شهروند ایرانی متهم به جاسوسی قابل ارزیابی است و دولت انگلیس صلاحیت و اهلیت دخالت در امور داخلی ایران را به این بهانه که متهم دارای تابعیت انگلیسی هم است، ندارد و انتظار می‌رود دستگاه سیاست خارجه کشورمان با این قبیل دخالت‌ها، مسئولانه‌تر عمل کند.

■ **احضار نازنین زاغری به دادگاه انقلاب**

خبرگزاری صدا و سیما ۱۸ شهریور ماه امسال در خبری به نقل از یک منبع آگاه نوشت: شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی نازنین زاغری را به همراه وکیل تعیینی‌اش احضار و کیفرخواست پرونده جدیدی را به وی ابلاغ کرد.

بنابر این گزارش، نازنین زاغری که با حکم محکومیت جاسوسی تحت نظر دستگاه قضایی و سازمان زندان‌ها است، با اتهام جدیدی مواجه شده است. این منبع آگاه گفت: پس از حضور زاغری در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی و ابلاغ کیفرخواست پرونده جدید به او، وکیل تعیینی وی ضمن حضور در دادگاه انقلاب در حال مطالعه پرونده جدید وی است. زاغری همزمان با شیوع ویروس کرونا، ۲۷ اسفند سال گذشته به قید وثیقه از زندان اوین به مرخصی رفته و اکنون در حبس خانگی به سر می‌برد.

■ **سابقه اتهامی نازنین زاغری**

نازنین زاغری ایرانی دوتابعیتی ۱۵ فروردین سال ۹۵ به اتهام مشارکت در پروژه‌های براندازی به دست سازمان اطلاعات سپاه ثارالله کرمان دستگیر و پس از طی مراحل قضایی به پنج سال زندان محکوم شد.

بنابر اطلاعیه روابط عمومی سپاه ثارالله کرمان، زاغری با عضویت در شرکت‌ها و مؤسسات بیگانه در طراحی و اجرای پروژه‌های رسانه‌ای و سایبری با موضوع براندازی نرم نظام مقدس جمهوری اسلامی مشارکت داشته است. نامبرده همچنین یکی از سرشبکه‌های اصلی مؤسسات معاند بوده که تحت هدایت و حمایت سرویس‌های رسانه‌ای و جاسوسی دولت‌های بیگانه فعالیت‌های مجرمانه خود را طی سالیان گذشته انجام داده است.